

Examining the Reference of the Neurotic Need for Affection and Approval Psychoanalytic Disease Theory of Karen Horney

Case study: I am not the Servant of my Daddy, by Ahmad Akbarpour

Mansour Pirani*, Marzieh Salimyan**

Abstract

The health, education and success of children in today's world is one of the most important issues in families, educational environment, culture and children's literature, which is reflected in stories, animations and other literary genres. The importance of this issue led to the study of children's literary works with a psychological approach. For this purpose, stories were studied; among them, the story "I am not my daddy's servant" written by Ahmad Akbarpour was chosen to clearly reflect this important point. The story narrates the problems of the life of a child named Davood, many of whose characteristics as the main character of the story reflect the personality of loving people based on the threefold division of Karen Horney and compatible with his theory of psychoanalysis. This article, with a descriptive-analytical method, intends to identify and introduce the conflict of affection, to examine the main character of this story and to analyze her personality angles, which is a reflection of the characteristics of a loving person. The purpose of this article is to study the dimensions of benevolence and provide a solution to sublimate this important issue.

Keywords: Conflict, the Neurotic need for Affection and Approval, Personality Psychoanalysis, Neurosis

* assistant professor in Persian Language and Literature. Shahid Beheshti University (corresponding author), m_pirani@sbu.ac.ir

** MA Persian Language and Literature student, marzisalimi57@gmail.com

Date received: 2022/8/16, Date of acceptance: 2022/9/25



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی دلایل مهرطلبی کودکان براساس نظریه روانکاوی کارن هورنای

مطالعه موردی داستان «من نوکر بابا نیستم» اثر احمد اکبرپور

منصور پیرانی*

مرضیه سلیمیان**

چکیده

سلامت، تربیت و موفقیت کودکان در جهان امروز از مسایل بسیار مهم در خانواده‌ها، محیط آموزشی، فرهنگی و ادبیات کودکان است که در قالب‌های گوناگون از جمله داستان‌ها، انیمیشن‌ها و گونه‌های دیگر ادبی بازتاب می‌یابد. اهمیت این مساله موجب شد در آثار ادبی کودکان با رویکرد روانشناختی هم مورد بررسی قرار بگیرد. بدین منظور داستان‌هایی مورد مطالعه قرار گرفت؛ از میان آن‌ها داستان «من نوکر بابا نیستم» نوشته احمد اکبرپور به جهت وضوح بازتاب این مهم انتخاب شد. این داستان مسائل و مشکلات زندگی فرزندی به نام داوود را روایت می‌کند، که بسیاری از خصلت‌هایش در مقام شخصیت اصلی داستان منعکس - کننده شخصیت افراد مهرطلب است؛ این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی، بر آن است تا ضمن شناخت و معرفی تعارض مهرطلبی، شخصیت اصلی این را براساس تقسیم‌بندی سه‌گانه و قابل انطباق نظریه روانکاوی شخصیت کارن هورنای مورد بررسی قرار دهد و زوایای

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، m_pirani@sbu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات کودک) گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، marziasalimi57@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۳



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

شخصیتی نقش اول داستان که بازتابی است از ویژگی‌های فرد مهرطلب، تحلیل نماید. هدف این مقاله بررسی ابعاد مهرطلبی و ارائه راهکاری در جهت تصعید این مهم است که لازم است در امر مهم تربیت بدان توجه شود که غفلت از آن عوارض و پیامدهای ناگواری در پی خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: تعارض، مهرطلبی، روانکاوی شخصیت، روان رنجوری

۱. مقدمه

مهرطلبی^۱ از جمله تعارضات روانی در کودکان و نوجوانان شناخته شده که، به دلیل قرارگرفتن در محیط‌های نامناسب، معمولاً خشونت طلب و یا عاری از مهر و محبت بارمی‌آیند؛ این روحیه تا بزرگسالی با آنان همراه است و عوارض ناگواری از جمله عدم اعتماد به نفس، ناسازگار در پی دارد. از مهمترین عوامل ایجاد عدم اعتماد به نفس، سرخوردگی و خود کم‌بینی در افراد است که ریشه در نوع و محیط تربیتی کودکان دارد و کمتر نویسنده‌ای در آثارش بدان توجه کرده‌است و اگر نویسنده‌ای هم به بیان مشخصات شخصیت‌های روان‌رنجور (Neurotic) و در اینجا به‌طور مشخص شخصیت مهرطلب پرداخته‌باشد، در بیشتر موارد ناخواسته‌بوده و در اصل هدف از نگارش داستان تحلیل خصوصیات و بررسی تعارضات شخصیتی این‌گونه افراد نبوده‌است. نقد و بررسی شخصیت‌های داستانی در جهت روشن نمودن ابعاد شخصیتی و تحلیل و انطباق آن با نمونه‌های بسیار زیادی که در اجتماع وجود دارد می‌تواند روشنگر ابعاد پنهان شخصیتی افراد روان‌رنجور در جهت شناخت و حل آنها باشد. در میان رویکردهای گوناگون نقد و بررسی آثار ادبی که از ابتدای قرن بیستم شکل گرفت، نقد روانکاوانه‌ی آثار هنری و تحلیل متون ادبی از منظر روانشناسی از ویژگی خاصی برخوردار است. فروید به عنوان بنیانگذار روانکاوی توانست با توجه به دریافت‌های جدید و نوآورانه او از روان انسان و کشف ابعاد جدیدی از وجود آدمی، قرائت تازه‌ای را از متون ادبی و اساطیری و آثار هنری به مخاطبان خود ارائه دهد. «توجه به تحلیل روانی مولف از خلال اثرش از دستاوردهای مهم او در این زمینه بود» (هوشنگی، ۱۳۹۲: ۱). مهرطلبی معضل رفتاری است و از تقسیم‌بندی‌های افراد روان‌رنجور است. روان‌رنجوری از دیدگاه کارن دنیلسن هورنای (Karen Danielsen Horney) از رفتارهای اضطراب‌گونه است که فرد در برابر رفتار مستبدانه، خشونت‌آمیز، عاری از مهر و محبت و گاه به دلیل عدم امنیت در محیط خانوادگی از خود نشان می‌دهد. هورنای بر خلاف فروید (Sigmund Freud) «به تأثیر نیروهای اجتماعی، بیش از نیروهای زیستی، اعتقاد بیشتری

داشت. او معتقد بود نیروهای اجتماعی، بیش از نیروهای زیستی، بر رشد شخصیت کودک به مراتب تأثیر بیشتری دارد (ر.ک: شولتز (Duan P. Shultz) و شولتز (Sydney Ellen Shultz)، ۱۳۸۹: ۱۷۸-۱۷۹). اگرچه در خلق شخصیت مهرطلب عوامل بسیار زیادی علاوه بر محیط پیرامونی از جمله خصلت‌های ذاتی و ژنتیکی کودک دخیل است اما می‌توان گفت درصد عمده‌ی ایجاد این معضل را محیط و شرایط خانوادگی کودک در بردارد.

۱.۱ پیشینه تحقیق

پیش از پرداختن به موضوع، آشنایی با پژوهش‌های انجام گرفته (پیشنه تحقیق) جهت آشنایی با دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات آنها لازم و ضروری است. ازین رو سعی نویسندگان براین شد مجموعه مقالاتی را که در این خصوص به نگارش درآمده است مطالعه و بررسی نماید. در مجموعه‌ی مقالات مورد بررسی چندین مقاله شباهت زیادی با پژوهش حاضر دارند که در ادامه به معرفی آنها می‌پردازیم.

- مقاله «نقد و بررسی داستانی از «جیمز تربر» براساس دیدگاه روانشناسی کارن هورنای»، نوشته رضایی دشت‌ارژنه، محمود، چاپ شده در مجله ادب پژوهی، شماره ده، زمستان ۱۳۸۸، نویسنده، بیشتر به نقد و بررسی شخصیت «جیمز تربر»، نویسنده‌ی داستان بعنوان فردی مهرطلب می‌پردازد، و از ابعاد شخصیت او به‌ویژه در کودکی سخن می‌گوید، سپس مختصری به تحلیل پیرامون شخصیت اصلی داستان وی می‌پردازد و از دیدگاه کارن هورنای آن را واکاوی می‌نماید.

- مقاله‌ی «نقد روانشناختی «آتنه کریستا» بر مبنای نظریه کارن هورنای» نوشته محبوبه فهیم‌کلام، چاپ شده در نشریه نقد زبان و ادبیات خارجی (پژوهشنامه‌ی علوم انسانی) پاییز و زمستان ۱۳۹۵، دوره سیزده، شماره هفده، (ص ۲۰۹ تا ۲۲۶)، نویسنده به بررسی و تحلیل دو شخصیت از شخصیت‌های داستان یعنی «آتنه کریستا» و «بلانش»، و همچنین به تحلیل شخصیت برتری طلب، که یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌های اشخاص عصبی هست، می‌پردازد، اما به تحلیل شخصیت برتری طلب و عزلت طلب جز در مواردی به اختصار اشاره‌ای نمی‌کند.

- مقاله «تحلیل برخی عناصر روانی شعر وقوع بر مبنای مکتب کارن هورنای» تسلیمی، علی و آینده، مینا، فصلنامه علمی پژوهشی کاوشنامه، سال چهاردهم، (۱۳۹۲) شماره‌ی

بیست‌وشش، نویسنده در این مقاله به منشأ روان‌نژندی‌ها اشاره می‌کند و نشان می‌دهد مشکلات روحی بر اساس چه پیش‌زمینه‌هایی در آدمی ایجاد می‌شود سپس بر اساس نظریه کارن هورنای به تحلیل برخی عناصر شعر وقوع می‌پردازد و با تأکید بیشتر بر تعارض مهرطلبی به ارتباط بین عاشق و معشوق در شعر این دوره عناصر شعری را واکاوی می‌کند.

- مقاله‌ی «نقد روانشناختی شخصیت در رمان «سالمرگی» بر مبنای نظریه کارن هورنای» بهنام‌فر، محمد و طلایی، زینب، مجله‌ی متن پژوهی ادبی، سال هجدهم، (۱۳۹۳) شماره‌ی شصت و دو، رمان سالمرگی زندگی زوجی پریشان‌احوال را به تصویر می‌کشد که بنا به دلایلی در بند اضطرابی گرفتارند، نویسنده رمان که خود روانپزشک نیز هست، به شکل قابل توجه این پریشانی را به تصویر کشیده‌است، هرچند نویسندگان مقاله سعی نموده‌اند بنا به خصوصیات افراد مهرطلب، به تحلیل شخصیت‌های رمان مبادرت نمایند، اما از نظر پژوهشگر این تحقیق ویژگی شخصیت‌های رمان سالمرگی تفاوت زیادی با مشخصات افراد مهرطلب دارد.

- مقاله «نقد روانشناختی «دیگرسیاوشی‌نمانده» بر مبنای نظریه کارن هورنای»، بهنام‌فر، محمد و طلایی، زینب، نشریه‌ی پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره‌ی هجدهم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان (۱۳۹۲)، «دیگرسیاوشی‌نمانده» مجموعه داستانی است که نویسندگان این مقاله، به تحلیل شخصیت‌های آن از دیدگاه کارن هورنای پرداخته‌اند، اما باید گفت، آنها از مهرطلبی بعنوان یکی از تقسیم‌بندی‌های مهم هورنای از افراد عصبی یا روان‌رنجور، تنها صفت صلح‌طلب و خیال‌پرداز را وام گرفته‌اند و چون در شخصیت داستان مورد نظر این خصلت‌ها دیده شده‌است، با اتکا بر همین صفات، آن را مهرطلب نامیده‌اند.

- مقاله «تحلیل شخصیت محمود در رمان «انگار گفته بودی لیلی» بر اساس آرای کارن هورنای، از نرگس اسکویی و تهمینه شجاع‌زاده، چاپ شده در نشریه پژوهش‌های ادبی و سبک‌شناسی، پاییز (۱۳۹۶)، شماره بیست‌ونهم. در این مقاله نویسندگان «محمود» را از لحاظ شخصیت عصبی مورد تحلیل و واکاوی قرار داده‌اند. و به سه تقسیم‌بندی فرد عصبی از دیدگاه هورنای یعنی: مهرطلب، برتری طلب و عزلت طلب، به صورت جزئی و موشکافانه وارد نشده‌اند و این تفاوت عمده‌ی مقاله با این پژوهش

است که به طور اختصاصی مهرطلبی را مورد واکاوی قرار داده و شخصیت‌ها را بر آن اساس تحلیل نموده است.

- مقاله «تحلیل روانکاوانه‌ی شخصیت دو قهرمان زن و مرد در رمان «سووشون» بر مبنای نظریه «عصبیت» کارن هورنای»، رضایی و دیگران، دو فصلنامه‌ی علمی، سال دوم، شماره‌ی چهارم، اگرچه شخصیت «زری» در رمان «سووشون» با توجه به اتفاقاتی که در داستان روی می‌دهد دچار اضطراب می‌شود، نویسندگان سعی نموده‌اند «زری» و «یوسف» را طبق تحلیل‌های نظریه‌ی روانکاوی هورنای، به ترتیب مهرطلب و برتری‌طلب تعبیر نمایند، اگرچه اضطراب از جمله مهم‌ترین خصلت یک فرد مهرطلب و زمینه‌ساز مهرطلبی است اما وجود این خصلت در فرد، به تنهایی نباید باعث شود برای تشخیص تعارضات درونی افراد به اشتباه دچار شویم. اضطراب از جمله پیشامدهایی است که اکثر افراد در زندگی دچار آن می‌شوند اما این دلیل بر مهرطلب بودن فرد مضطرب نیست.

- مقاله «تحلیل روانشناختی شخصیت کودکان در داستان‌های مرادی کرمانی بر اساس نظریه کارن هورنای»، پورحیبی، ناصر و دیگران، ادبیات و پژوهش‌های بین رشته‌ای، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دو فصلنامه‌ی علمی، سال اول، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان (۱۳۹۸)، (صص ۲ تا ۴) نویسنده در مقایسه با مقاله‌های قبلی به نسبت کمتری به جزئیات مشکلات مهرطلبی پرداخته، سعی نموده بیشتر به نشانه‌های اضطراب در شخصیت‌ها، نشانه‌های افراد عصبی و دلایل ایجاد آنها بپردازد همچنین به وجود ارتباط منطقی بین اضطراب که از جمله مهم‌ترین دلایل ایجاد مهرطلبی است و ایجاد مهرطلبی در داستان، مبادرت نموده و تنها به آوردن نمونه برای هر معضل از داخل داستان اکتفا کرده است.

- مقاله تحلیل روانشناختی شخصیت‌های سه داستان «گدا»، خاکستر نشین‌ها» و «آشغال‌دونی» غلامحسین ساعدی بر مبنای نظریه کارن هورنای»، شاکری و همکاران، مجله‌ی متن پژوهی ادبی، (۱۳۹۴). نویسندگان این مقاله با تکیه بر نظریه‌ی واکاوی شخصیت هورنای به تحلیل تعدادی از شخصیت‌های سه داستان از غلامحسین ساعدی پرداخته و علاوه بر انتخاب شخصیت و تحلیل آن بر مبنای مهرطلبی، به انتخاب و تحلیل شخصیت بر مبنای برتری‌طلب نیز پرداخته‌اند.

۲. مباحث نظری

چنانچه بیان گردید یکی از مهمترین دلایل ایجاد این معضل شخصیتی اطرافیان مستبد اعم از پدر یا مادر دیکتاتور است که سبب بروز ویژگی‌های مهرطلبی می‌شوند، والدین خشن و سرکوب‌گر، با ایجاد محیطی متشنج و ناآرام و نادیده‌گرفتن نیازها و احساسات کودک و فراهم‌نکردن بستری آرام برای ظهور استعدادهای درونی او سبب القاء ترس، ناامنی و به‌دنبال آن اضطرابی غیرقابل کنترل در فرزندان خود می‌شوند که این اضطراب منشأ بسیاری از نارسایی‌های رفتاری تا دوران بزرگسالی بوده، مشکلات شخصیتی فراوانی را برای او رقم می‌زند.

کارن هورنای تفاوت شخصیت سالم و روان‌آزرده را به کیفیت روابط بین‌فردی او به‌ویژه تعاملات اولیه بین والد و کودک ارتباط می‌دهد، بی‌تفاوتی والدین یا فقدان گرمی و محبت نسبت به کودک ممکن است به احساس انزوا و درماندگی منجر شود (فیض‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴).

او با طرح این موضوع که محیط‌های عاری از محبت و توأم با خشونت می‌توانند در بروز شخصیت‌های مهرطلب موثر باشند به شرح و توصیف خصوصیات بارز این افراد پرداخته‌است و پس از معرفی کلی افراد روان‌رنجور و برشمردن خصوصیات آن‌ها و دلایل ایجاد روان‌رنجوری به معرفی سه دسته مهم از افراد روان‌رنجور می‌پردازد و مسائل محیطی، ژنتیک فرد اعم از حساسیت او نسبت به مسائل را در انتخاب ناخودآگاهش به سمت یکی از سه دسته افراد مهم قلمداد می‌کند سپس به بررسی موردی هر کدام از سه دسته پرداخته و با بیان مشکلات ایجاد شده برای آنها در جامعه به شرح کامل آنها می‌پردازد.

۱,۲ نظریه روانشناختی کارن هورنای

اهمیت پرداختن به موضوع مهرطلبی در حیطه نظریه‌ی روانکاوی شخصیت (Social Psychoanalysis) هورنای در رویارویی با مشکلاتی است که فرد در مواجهه با لحظات حساس و هنگام اتخاذ تصمیم در قبال مسائل و مشکلات پیش‌آمده در زندگی با آن روبرو می‌شود و اغلب در رفع آن مشکلات عاجز می‌ماند و به موانع و مشکلات ذهنی و رفتاری بی‌شماری مواجه می‌شود. در این راستا و با توجه به ویژگی‌های افراد مهرطلب شخصیت داستان من‌نوکر با بنیستم با توجه به شاهد مثال‌های انتخاب شده از متن داستان داستان و چگونگی عکس‌العمل او در مواجهه با مشکلات خانوادگی به‌خصوص در مقابل استبداد پدرش

مورد بررسی قرار گرفته است، همچنین کوشش شده است با توجه به معرفی ویژگی های اخلاقی و واکنش های مختلف افراد مهرطلب، زوایای شخصیتی او منطبق با رویکرد نظریه ی روانکاوی شخصیت کارن هورنای مورد تحلیل قرار گیرد.

۲.۲ کارن هورنای و مبانی نظری او

کارن دانیلسن هورنای که در ابتدا از پیروان و شاگردان غیر مستقیم فروید بود در سال ۱۸۸۵ میلادی در دهکده ای در هامبورگ به دنیا آمد. او که در ابتدا پیرو عقاید و مکتب فروید بود طی مطالعات گسترده و تجربیات عمیق خود در دوران کودکی به تأثیر بلامنازع محیط زندگی، شرایط زیستی و اطرافیان بر شکل گیری شخصیت و خلق و خوی کودکان در بزرگسالی تأکید فراوان داشت و به این ترتیب از عقاید فروید فاصله گرفت. او بر خلاف فروید انسان را مجموعه پیچیده ای متشکل از غرایز و صفات ژنتیک و تأثیر محیط پیرامونی و اطرافیان اعم از والدین، مربیان و معلمان در نظر می گرفت و همین تفکر وی سبب دوری نظریاتش از فروید شد. فروید انسان را یک ارگانیسم بیولوژیکی در نظر می گرفت که دارای نیازهای اولیه برای ادامه زندگی و بقای نوع است، او نسبت به انسان و اعمالی که از او سر می زند یک دیدگاه جبرگرایانه و مکانیکی داشت. از نظر فروید سائقها در رفتار انسان نقش بسیار مهمی دارند، او که کاشف بخش عظیم ناهشیار در ساختار شخصیتی انسان بود اعتقاد داشت این بخش فرمان زندگی انسان را در دست دارد و او را هدایت می کند. رویکرد کارن هورنای در قالب تحلیل شخصیت است که نظریاتش تأثیر گسترده ای بر روانشناسی و روانکاوی معاصر گذاشته است. به نظر او علت اصلی نابسامانی های روحی و رفتاری (شخصیتی) انسانها، روابط خشن و نابهنجار است. او معتقد است «منشأ انگیزش انسان، بیشتر از آنکه به قول فروید نیروی جنسی باشد، نیازمند به امنیت و محبت است و مصیبت اصلی، همیشه فقدان صمیمیت و محبت واقعی است» (ر.ک: رضایی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳). فروید معتقد بود که انسانها کنترل کمی بر اعمال کنونی خود دارند، زیرا خیلی از رفتارهای آنها در تلاش های ناهوشیارشان ریشه دارد که از آگاهی کنونی آنها خارج است، گرچه افراد معتقدند که بر زندگی خودشان کنترل دارند اما معمول دچار نوعی توهم هستند؛ هورنای از این جهت که تأکید داشت «سال های ابتدایی زندگی کودک در شکل دهی شخصیت بزرگسالی بسیار حائز اهمیت است، با فروید موافق بود. اما در مورد جزئیات نحوه ی شکل گیری شخصیت، با او اختلاف نظر داشت» (ر.ک: شولتز و شولتز، ۱۳۸۹: ۱۷۸-۱۷۹). هورنای که در نظام روانکاوی رسمی آموزش دیده بود معتقد

بود هیچیک از رفتارهای انسان بی علت و تصادفی نیست او معتقد بود بدون در نظر گرفتن عوامل فرهنگی و اجتماعی یک جامعه، نمی‌توان به درک روشنی از مفهوم عصیبت (Nervousness)، روان‌رنجوری و تضادهای عصبی (Neural Contradictions) رسید. «بعلت تأکید هورنای بر تأثیر شرایط فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی در شکل‌گیری شخصیت فرد، نظریه‌ی وی تحت عنوان روانکاوی اجتماعی (Social Psychoanalysis) شناخته‌می‌شود (دارابی، ۱۳۸۴: ۶۷). او اعتقاد داشت که دوران کودکی به‌شدت تحت تأثیر این نیاز مهم کودک یعنی نیاز به امنیت خاطر جمعی و برحذر بودن از ترس است با بیان این مطلب که احساس امنیت و فقدان ترس برای رشد شخصیت بهنجار او واجب و ضروری است به اهمیت محیط زندگی اشاره کرد. هورنای با نظریه‌ی افراطی فروید هم که تأثیر غریزه‌ی جنسی و سرکوب آن را مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری شخصیت انسان می‌دانست مخالف بود که بعدها با مخالفت با بعضی اصول فروید، مقدمات نظریه‌ی خود را به‌وجود آورد. البته نظریه‌ی روانکاوی شخصیت او به منظور انکار کامل مسائل ژنتیکی که فرد از والدین خود به ارث می‌برد نیست و در کنار اهمیت مسئله محیط زندگی به طرح آن نیز پراخت. هورنای «به محیط تأکید کرد؛ اما استعدادهای ارثی را نادیده نگرفت» (لان‌دین (Robert W Lundin) ۱۳۷۸: ۲۹۸). از دیدگاه هورنای پایه و اساس ایجاد معضلات فرد در بزرگسالی که به‌طور کاملاً طبیعی ریشه در کودکی او دارد عدم امنیت احساسی و عاطفی و عدم دریافت توجه و محبت صمیمانه از جانب والدین و نزدیکانش است این موضوع سبب خلق شخصیتی آسیب‌پذیر و رنجیده می‌شود که واژه‌ی عصبی و روان‌رنجور از آن به‌وجود آمده‌است. کارن هورنای تفاوت شخصیت سالم و روان‌آزرده را به کیفیت روابط بین‌فردی او به‌ویژه تعاملات اولیه بین والد و کودک ارتباط می‌دهد، «بی‌تفاوتی والدین یا فقدان گرمی و محبت نسبت به کودک ممکن است به احساس انزوا و درماندگی منجر شود» (نقا از فیض‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴). جهت درک بهتر و عمیق‌تر موضوع مهرطلبی معرفی تعدادی اصطلاح و واژه مرتبط با آن ضروری است.

۳,۲ اضطراب بنیادی (Basic Anxiety)

اضطراب که به یک احساس ناخوشایند و مبهم اطلاق می‌شود در همه‌ی افراد به اشکال و درجات گوناگون دیده می‌شود. هورنای معتقد است اضطراب پایه و اساس ایجاد عصیبت و روان‌رنجوری در فرد است اضطرابی که به دلایل مختلف در فرد ایجاد می‌شود، اما در کودکان

بررسی دلایل مهرطلبی کودکان ... (منصور پیرانی و مرضیه سلیمیان) ۶۳

احساس عدم امنیت در اجتماع پیرامونی از جمله عوامل شایع ایجاد اضطراب محسوب می‌شود.

اگر فرد در رابطه با اجتماع و به ویژه کودک، در رابطه با خانواده احساس امنیت خود را از دست دهد، به اضطراب اساسی دچار می‌شود، هورنای اضطراب اساسی را به صورت احساس منزوی شدن، بیچارگی و بی‌پناهی در دنیایی که بالقوه خطرناک و ترسناک است تعریف می‌کند (شاملو، ۱۳۸۸: ۹۴).

به نظر او علت اصلی نابسامانی‌های شخصیتی انسانها، روابط خشن و نابهنجاری است که کودک از والدین و اطرافیانش می‌بیند. «اگر در خانواده، تفاهم، احساس ایمنی، محبت، گرمی و صمیمیت وجود داشته‌باشد از پیدایش روان‌رنجوری پیشگیری می‌شود» (ر.ک: شکرشکن، ۱۳۸۵: ۳۹۲).

هر کودکی در وجود خود نیروها، استعدادها و امکانات بالقوه‌ای دارد که تمام این نیروها برای به فعل درآمدن، احتیاج به محیط و شرایط مناسب دارند. از جمله این شرایط می‌توان به مواردی مثل: محبت و گرمی، حمایت، آزادی نسبی، کمک، راهنمایی، تشویق، و بسیاری موارد دیگر اشاره کرد؛ اما اگر به هر دلیلی این شرایط برای رشد استعدادها و توانمندی‌های کودک فراهم نشود و کودک شرایط نامساعدی را تجربه کند مراحل صحیح رشد و نمو او به سوی انحراف کشیده‌شده، هرگز استعدادهایش شکوفا نمی‌گردد. این شرایط ناهنجار عبارتند از: تحقیر، اجحاف، تعدی، زور، فشار، عدم رعایت احتیاجات خاص کودک، بی‌علاقگی و بی‌توجهی به او، تبعیض بین بچه‌ها، ایجاد محیط نایمن، سخت‌گیری بیش از حد، ایراد و انتقاد و بهانه‌جویی بی‌مورد، زیادی از بچه مواظبت و حمایت کردن، و فقدان محبت صادقانه که سبب ایجاد یک احساس نایمنی، اضطراب، تشویش، و دلهره‌ی دائمی در او می‌گردد، که سبب می‌شود کودک به جای این‌که وقت و انرژی و همت‌اش را صرف پرورش و استفاده از نیروهای طبیعی‌اش نماید، در یک وضعیت تدافعی قرار گیرد و آن نیروها را صرف تسکین و تخفیف اضطراب، دلهره و از بین بردن صدمات ناشی از برخورد با دیگران نماید. هورنای رفتارهای عصبی را ناشی از اضطراب درونی و عامل اضطراب را اصلی‌ترین نشانه وجود تضاد عصبی در شخصیت فرد می‌داند.

اگر فرد در رابطه با اجتماع و به ویژه کودک، در رابطه با خانواده احساس امنیت خود را از دست دهد، به اضطراب اساسی دچار می‌شود، هورنای اضطراب اساسی را به صورت

احساس منزوی شدن، بیچارگی و بی‌پناهی در دنیایی که بالقوه خطرناک و ترسناک است تعریف می‌کند (ر.ک: شاملو، ۱۳۸۸: ۹۴).

این افراد برای کنترل اضطراب که به دلایل ایجاد آن اشاره نمودیم از سه روش بنیادی زیر استفاده می‌کنند:

۱. سلطه‌پذیر بودن

۲. کسب قدرت

۳. کناره‌گیری کردن

در واقع فرد روان‌رنجور که اضطراب شدیدی را تجربه می‌کند می‌تواند برای کنترل وفائق آمدن بر اضطراب خود از هر کدام از این شیوه‌های فوق به‌عنوان سائق استفاده کند که به تبع آن سه نوع نگرش را در آن‌ها در پی دارد. هورنای این سه نگرش را بدین‌صورت عنوان نمود:

۱. حرکت به‌سوی مردم (شخصیت مطیع)

۲. حرکت علیه مردم (شخصیت پرخاشگر)

۳. حرکت به دور از مردم (شخصیت جدا)

منظور از حرکت به سوی مردم، که روش اتخاذ شده توسط افراد مهرطلب است در واقع جلب توجه و کسب رضایت آنهاست که نتیجه‌ی چنین رفتاری منجر به مهرطلبی می‌شود.

در واقع حرکت به‌سوی مردم از نظر هورنای به معنی حرکت به‌سوی آن‌ها به‌منظور کسب محبت واقعی نیست؛ بلکه به نیاز روان‌رنجور به محافظت کردن از خود در برابر احساس درماندگی اشاره می‌کند. افراد مطیع در تلاش‌های خود برای محافظت کردن از خودشان در برابر احساس درماندگی یک یا هر دو نیاز اول روان‌رنجور را نشان می‌دهند. یعنی آنها شدیداً برای کسب محبت و تایید دیگران تلاش می‌کنند (فیست (Jess Feist) و فیست (Gregory J. Feist)، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

هورنای به این قبیل نیازها با عنوان وابستگی بیمارگون اشاره کرد. افراد روان‌رنجور از نوع مهرطلب احتمالاً خودشان را مهربان، دست‌ودل‌باز، ایشارگر، متواضع، و حساس نسبت به دیگران تصور می‌کنند. دو گرایش دیگر که «حرکت علیه مردم» و «حرکت به دور از مردم» نام دارد از جمله راهکارهای دیگری است که افراد برای کنترل اضطراب خود اتخاذ می‌کنند اما با تمرکز بر اصل مبحث از توضیح آنها صرف‌نظر می‌کنیم.

۴,۲ تضادعصبی و تعارض شخصیتی (Personality Conflict)

اگرچه در وجود بسیاری از انسانها تضاد بعنوان امری طبیعی وجود دارد اما زمانی این تضاد و اضطراب نابهنجاری محسوب می‌شود که با دشمنی به خود و ناآگاهی و اجبار همراه باشد. در مورد تضادهای عصبی نیز تاکید هورنای مجدداً به تاثیر رفتار والدین بر کودکان و دنیای کودکی بر می‌گردد. «تضادهایی که علت بروز آنها فشار و اجحاف و خشونت‌هایی است که در کودکی به ما اعمال کرده‌اند» (هورنای، ۱۳۹۳: ۱۹-۲۱). چنانچه بیان شد کودکان برای فرار از این تضاد به سائق‌های مختلفی (سه سائقی که در بند قبل عنوان گردید) روی می‌آورند، این سه سائق در میان بچه‌های سالم به شکل الزامی مغایر نیست؛ اما احساس انزوا و درماندگی که هورنای آن را اضطراب بنیادی توصیف کرد، سبب می‌شود برخی از کودکان به صورت اجباری، وسواسی عمل کنند. به همین دلیل آنها فقط به یک سائق گرایش پیدامی‌کنند. این کودکان تلاش می‌کنند این گونه تعارض را با مسلط کردن یکی از سه گرایش روان‌رنجور حل کنند. به این معنی که برخی از آنها با رفتارهای مطیعانه به سمت دیگران می‌روند (حرکت به سوی مردم) و به این طریق از خودشان در برابر احساس درماندگی، محافظت می‌کنند. کودکان دیگر با اعمال رفتارهای پرخاشگرانه تلاش می‌کنند تا از این راه از دشمنی و آسیب دیگران در امان بمانند. با اختیار کردن شیوهی فاصله گرفتن از مردم، سعی دارند با این روش احساس تنهایی را کاهش بدهند. با در نظر گرفتن این مطلب که کودکان قادر نیستند منحصراً به یکی از سه طریق دفاعی فوق پناه برند و بنا به موقعیت‌های مختلف و به نسبت‌های مختلف، از هر سه راه و طریق استفاده می‌کنند، و از آنجایی که این سه روش باهم در تضاد و تقابل هستند، ناچار از برخورد آنها با هم در درون کودک، کشمکش بسیار شدیدی ایجاد می‌شود که به آن تضاد اساسی (Fundamental Contradiction) می‌گویند. از طرف دیگر، هریک از حالات فوق، الزاماً یک مقدار احتیاجات، حساسیت‌ها، ترمزهای روحی و ارزش‌های مخصوص به خود، به همراه دارد و در کودکی که به آن روش توسل جسته، ویژگی‌های خاصی را ایجاد می‌کند. کودکی که به تاکتیک مهرطلبی روی می‌آورد، همیشه احتیاج دارد زیر دست دیگران باشد، و گاه به‌طور ناگهانی به روش‌های برتری طلب و عزلت‌طلبی متوسل می‌شود چراکه او هنوز نتوانسته است تمایلات برتری‌طلبی و عزلت‌طلبی را که تا به حال پنهان کرده است، کاملاً از اثر و مداخله بپندازد؛ یعنی آن دو تمایل در وجودش به‌طور پنهانی فعال هستند؛ نتیجه اینکه کودک موفق نمی‌شود کشمکش‌های درونی ناشی از برخورد آنها را متوقف کرده و احساس آرامش نماید؛ چراکه اولاً کودک هنوز در حال رشد و تغییر است، ثانیاً افراد پیرامون کودک نیز ممکن است

تغییر کنند. در مجموع، این عوامل سبب می‌شود رشد خود واقعی کودک به کندی صورت گیرد.

۵,۲ عصبیت و تضادهای عصبی

عصبیت که پایه اصلی ایجاد مهرطلبی به‌شمار می‌آید از دیدگاه هورنای بسیار حاء اهمیت است هورنای معتقد است محیط و شرایط زندگی تاثیر بسیار زیادی بر ایجاد رفتارهای عصبی در فرد دارد «عصبیت عبارت است از یک‌سری اختلالات روحی که در نتیجه ترس و بیم دفاع‌هایی که انسان برای رهایی از ترس اتخاذ می‌کند، ایجاد می‌شود» (هورنای، ۱۳۶۹: ۳۱). گاهی تشخیص بین فرد عادی و فرد عصبی کمی دشوار می‌شود. اگر شخصی به‌واسطه‌ی تضادهایش در خود احساس بیچارگی و درماندگی کند، فرد عصبی محسوب شده، و در مقابل، اگر قدرت برخورد و روبه‌روشدن با تضادهایش را داشته باشد، فردی عادی است. «از مهمترین خصوصیات اشخاص عصبی این است که حالت‌شان با آداب و رسوم موجود در جامعه تطبیق نمی‌کند» (همان، ۱۳۶۹: ۱۷). در حقیقت نحوه برخورد فرد در موقعیت‌های مختلف همچنین حالت و احساسی که از آن موقعیت‌ها در وجودش ایجاد می‌شود با در نظر گرفتن عرف و آداب و رسوم حاکم بر جامعه کمک بسیار زیادی در تشخیص فرد عادی و عصبی می‌کند.

در حقیقت اصطلاح عصبیت، که یک اصطلاح طبی است، بدون در نظر گرفتن تأثیرات محیط و نفوذ فرهنگ یک جامعه به کار برده نمی‌شود. پس مفهوم لغت عادی و عصبی نه تنها در اجتماعات و فرهنگ‌های مختلف، بلکه در داخل یک اجتماع معین نیز در زمان‌های مختلف متفاوت است (همان: ۱۹).

در مجموع دو عامل وجود دارد که در اشخاص عصبی دیده می‌شود و در تشخیص بهتر آن‌ها کمک می‌کند:

۱. انعطاف‌ناپذیری، خشکی و لجاجت که در بیش‌تر رفتارهای‌شان به چشم می‌خورد.
۲. اختلاف قابل توجهی که بین امکانات آن‌ها و توانایی استفاده از این امکانات وجود دارد؛ یعنی اگر فردی با داشتن امکانات خوب و موقعیت مناسب باز هم در فعالیت‌هایش موفق نشود، به این فرد عصبی گویند. «در مورد این حالت‌ها بهتر است آن‌ها را زمانی حالت عصبی بخوانیم که خلاف عرف جامعه باشد. شخص عصبی معمولاً آدمی ست رنجور که اغلب از دلایل رنجوری خود بی‌خبر است» (هورنای، ۱۳۹۷: ۳۱-۳۲).

۶,۲ دلایل ایجاد عصبیت و خصومت بنیادی (Fundamental Hostility)

هر کودکی اگر به شکل عمیق و از درون خود احساس دوست‌داشتنی بودن و محبوب بودن کند، قادر به تحمل بسیاری از ناملایمات است. کودکان با احساس زیرکانه‌ی ویژه خود، محبت واقعی را از تظاهر به دوستی به‌خوبی تشخیص می‌دهند. بسیاری از والدین به‌علت این‌که گرفتار عصبیت‌های خود هستند، نمی‌توانند به فرزندان‌شان عشق بورزند. به دلیل احتیاجات روحی خود در کارهای فرزندان‌شان دخالت کرده و اسم آن را علاقه به خوشبختی آن‌ها می‌گذارند. اینکه از میان عوامل بسیار زیادی که بر ایجاد عصبیت و روان‌رنجوری افراد موثر است کدام عامل بیشترین تاثیر را در عصبیت و روان‌رنجوری کودکان دارد؟ هورنای بازم به عامل تاثیر والدین و اطرافیان کودک بیش از سایر عوامل مثل ژنتیک فرد اعتقاد دارد. «متأسفانه شرایط ناگوار متعددی می‌توانند در این شرایط مطلوب اختلال ایجاد کنند. از همه آن‌ها مهم‌تر، ناتوانی یا بی‌میلی والدین در محبت کردن به فرزندان‌شان است.» (فیسست و فیسست، ۱۳۸۸: ۱۹۷). در واقع اگر بخواهم ریشه اصلی تعارضات رفتاری کودکان، روان‌رنجوری و متعاقب آن مهرطلبی را به‌روشنی بشناسیم می‌بایست به نحوه ارتباط یک کودک با اولیاء و مربیان خود دقت بیشتری داشته‌باشیم.

تصورات نادرست والدین در مورد شیوه تربیت، میل به سخت‌گیری زیاد یا فداکاری‌های بی‌مورد از مهمترین عواملی است که سبب عصبیت و نابسامانی روحی کودک می‌شود. همچنین بعضی رفتارهای والدین به‌گونه‌ای است که سبب ایجاد خشم و دشمنی در کودک می‌شود. مثلاً تبعیض بین بچه‌ها، عیب‌جویی‌های بی‌جهت از بچه‌ها، بدقولی و از همه مهم‌تر عدم توجه به احتیاجات خاص کودک و مداخلات ناروا در کارهای او و مسخره کردن افکار و تمایلات او (هورنای، ۱۳۶۹: ۱۰۰).

هرچند گاهی ممکن است که عناد و خصومت در کودکان به‌علت محرومیت از لذت و تمایلات جنسی باشد؛ ولی هورنای عقیده دارد که این محرومیت و سرکوب کردن تمایلات را نمی‌توان تنها علت عناد و خصومت و خشم تهاجمی کودک دانست چرا که از لحاظ تجربی ثابت شده‌است که بچه‌ها هم درست مثل اشخاص بالغ، اگر احساس کنند دسته عظیمی از این ممانعت‌ها عادلانه و منصفانه و در جهت صلاح و مصلحت خودشان است، با آغوش باز می‌پذیرند در اصل کیفیت تحمیل این ممانعت‌ها به کودک مهم و قابل بررسی است و نه خود آن محرومیت‌ها. اگر کودکی ناچار باشد میل به انتقاد و تعرض و شکایت از اطرافیان‌اش را سرکوب کند، خطرات زیادی برایش در پی دارد که مهم‌ترین آن‌ها این است که کودک خود را

سرزنش و سرکوب می‌کند، خود را ناخواستنی می‌پندارد، و تمام مشکلات را به گردن خود می‌گیرد؛ این سرکوب کردن خصومت و عناد موجب بروز مقدار زیادی اضطراب می‌شود و اضطراب هم سبب تشدید دشمنی و خصومت می‌گردد، در این موارد، اگر پدر و مادر نیاز کودک به امنیت و شادی را برآورده‌نکند، کودک احساس **خصومت بنیادی** را نسبت به آن‌ها در درون خود پرورش می‌دهد؛ اگرچه کودکان این خصوت را به ندرت به صورت خشم نشان می‌دهند. در واقع آن‌ها خصومت خود را نسبت به والدین سرکوب می‌کنند، بدون این‌که نسبت به آن اطلاعی داشته‌باشند، در نهایت آن دشمنی سرکوب‌شده به ناامنی و احساس مبهم نگرانی ختم خواهد شد. این رفتارها سبب ایجاد بغض و کینه در کودک می‌شود. پس از بررسی دوران کودکی تعداد زیادی از اشخاص عصبی به این نتیجه رسیده‌اند که «خصوصیات مشترک محیط تولید آن‌ها و عواملی که سبب امراض عصبی در آن‌ها می‌گردند، به قرار زیر است: مهم‌ترین این عوامل یا به عبارت دیگر این بلاها، فقدان صمیمیت و محبت صادقانه است، در محیط کودک» (ر.ک: هورنای، ۱۳۶۹: ۹۹)

۷,۲ رابطه اضطراب و عصبیت

در نظریه روانکاو شخصیت هورنای اضطراب و عصبیت ارتباط زیادی باهم دارند به نحوی که معرفی هر کدام بدون در نظر گرفتن ارتباطشان با هم امکان‌پذیر نیست. «عصبیت، ارتباط بسیار تنگاتنگی با اضطراب دارد. این دو کلمه «اضطراب» و «ترس» که معمولاً در اشخاص عصبی، توأم با دفاع‌های خاص خودشان آشکارا دیده می‌شوند» (هورنای، ۱۳۶۹: ۲۷). هنگام تجزیه و تحلیل انواع مختلف اضطراب‌هایی که در اشخاص عصبی وجود دارد، متوجه خواهیم شد که «اضطراب اصلی» در زمینه شخصیت تمام آدم‌های عصبی وجود دارد، و تمام روابط آن‌ها را با افراد دیگر تحت تاثیر قرار می‌دهد اشخاص معمولاً برای حفظ خود در برابر اضطراب و کسب امنیت روحی، از شرایط جلب محبت افراطی استفاده می‌کنند، که معمولاً از جمله راه‌های در دسترس فرد عصبی برای نجات هر چند موقتی از احساس بی‌پناهی و اضطراب است.

۸,۲ معرفی روان‌رنجور و نیازها

در ادامه‌ی معرفی و توضیح اصطلاحات مرتبط با مهرطلبی هورنای به معرفی اصطلاح روان‌رنجور و بیان ویژگی‌های او می‌پردازد او برای معرفی فرد روان‌رنجور از اصطلاح

نگرانی دائمی استفاده می‌کند و می‌گوید اگرچه نگران بودن کاملاً طبیعی است، اما وقتی فرد متوجه می‌شود این نگرانی بیش از حد است، طوری که نمی‌تواند روی کاری تمرکز کند یا کار خود را آن‌طور که باید و شاید انجام بدهد، می‌توان گفت دچار روان‌رنجوری است. در اینجا نیز عامل اضطراب است که سبب به وجود آمدن روان‌رنجوری در افراد می‌شود بعد از معرفی روان‌رنجور، هورنای به دسته‌بندی نیازهای فرد روان‌رنجور می‌پردازد و آنها را در ده دسته طبقه‌بندی می‌کند:

۱. نیاز روان‌رنجور به تأیید و محبت
۲. نیاز روان‌رنجور به همسری قدرتمند
۳. نیاز روان‌رنجور به محدود کردن زندگی در مرزهای تنگ
۴. نیاز روان‌رنجور به قدرت
۵. نیاز روان‌رنجور به بهره‌کشی از دیگران
۶. نیاز روان‌رنجور به شهرت یا مقام اجتماعی
۷. نیاز روان‌رنجور به تحسین شدن
۸. نیاز روان‌رنجور به جاه‌طلبی و موفقیت شخصی
۹. نیاز روان‌رنجور به استقلال
۱۰. نیاز روان‌رنجور به کمال و آسیب‌ناپذیر بودن

افراد روان‌رنجور که در بسیاری موارد هورنای به آنها اصطلاح ناپه‌نچار را اطلاق می‌کند با توجه به سه سائق ۱- حرکت به سوی مردم ۲- حرکت علیه مردم و ۳- حرکت به دور از مردم، به سه دسته کلی ۱- مهر طلب ۲- برتری طلب (Supermacist) و ۳- عزلت طلب (Isolationism) تقسیم می‌شوند در ادامه با توجه به موضوع اصلی بحث به بیان مشخصات افراد مهرطلب می‌پردازیم.

۳. مهر طلبی

از مهمترین صفات افراد مهرطلب، میل شدید به دوست‌داشته‌شدن و جلب توجه و محبت دیگران است، در وجود تمام افراد میل به دوست‌داشته‌شدن به شکل غریزی نهفته است، هر انسانی می‌خواهد مورد توجه باشد و دوست‌داشته شود اما، نکته اینجاست که مرز بین دوست‌داشته شدن در افراد عادی و سالم و فرد مهرطلب به راحتی قابل تشخیص است. در

حقیقت یکی از بارزترین و شایع‌ترین تمایلات افراد مهرطلب حالت اتکایی و عطش محبت و احتیاج به تایید و تصدیق است، که نه حد می‌شناسد و نه «به‌مورد» و «بی‌مورد» می‌فهمد. این تمایل به جلب محبت، به شخص به‌خصوصی محدود نمی‌شود. یعنی او احتیاج دارد بدون استثناء مورد توجه و اهمیت دیگران واقع شود. میل دارد مطیع و زیردست دیگران باشد، به آن‌ها تکیه کند و به هر وسیله‌ای ممکن است آن‌ها را راضی و خوش‌حال نگه دارد (هورنای، ۱۳۶۱: ۱۹۶). به سبب ضعف شخصیتی و ناتوانی در بیان خواسته‌هایش، نمی‌تواند در برابر حمله‌های ناروا از خود دفاع کند. به‌خاطر این که «نه» گفتن برایش مشکل است، زمانی که در درون خود با خواسته‌های دیگران موافق نیست، قدرت رد کردن خواهش آن‌ها را ندارد

این حالت تسلیم محض بودن در فرد مهرطلب، گاهی به قدری شدید می‌شود که سبب از بین رفتن استقلال فکری و آزادی درونی‌اش می‌شود؛ اما به دلیل این که همواره آن‌طور که انتظار دارد از طرف مقابل خود توجه و محبت لازم را دریافت نمی‌کند، نهایتاً این حد از وابستگی و اتکاء به شدت ضربه می‌خورد. هرچند ابراز هر نوع محبت به شخص مهرطلب ممکن است موجب ایجاد هر نوع آرامش سطحی یا حتی موجب هر نوع احساس خوشی و مسرت او گردد (هورنای، ۱۳۶۹: ۱۴۳).

مهرطلب تا زمانی که این محبت را دریافت می‌کند، از وجود این عطش شدید در خود آگاهی ندارد؛ تا زمانی که از دریافت محبت محروم گشته، و آنگاه دچار اضطراب شدیدی می‌شود. «مهرطلب، نیاز مبرمی به برانگیختن مهر و تأیید دیگران دارد و پیوسته می‌کوشد تا با انجام رفتارهایی مطابق سلیقه دیگران، منزلتی عاطفتی نزد آنها بیابد» (فهمیم‌کلام، ۱۳۹۵: ۶). اعتماد به نفس پایین، احساس تزلزل و سرگردانی احساس نالایق بودن عدم اظهار عقاید ترس در بیان نیازها گوش به فرمان دیگران بودن از مشخصات این افراد است. «زندگی شخصیت‌های مهرطلب وابسته به کمک و محبت دیگران است در این تاکتیک شخص تمایلات برتری‌طلبی خود را سرکوب می‌نماید، به تمایلات مهرطلبی پروبال می‌دهد و آنها را نمایان می‌سازد» (بهنام‌فر، طلایی، ۱۳۹۳: ۱۸). خود ایده‌آلی‌تیپ مهرطلب به او دستور می‌دهد باید تا آن‌جا که در توان است به دیگران کمک کنی، باید همواره رعایت دیگران را بکنی، همیشه ابتدا باید به فکر دیگران باشی، رفتارت با دیگران توأم با محبت، ملایمت، رافت، دست‌ودلبازی و فداکاری باشد؛ اما با این وجود که مهرطلب از انجام رفتارهای برتری‌طلبانه ناتوان است،

بررسی دلایل مهرطلبی کودکان ... (منصور پیرانی و مرضیه سلیمیان) ۷۱

به عبارت دیگر، تیپ مهرطلب پیش خودش تصور می‌کند آدمی است کم‌توقع، متواضع، باگذشت، سلیم و بزرگواری، و نسبت به این خصوصیات، نوعی احساس غرور و افتخار دارد. پس اگر این خصوصیات را رعایت نکند، مثل این است که خودش این غرورها را شکسته و خود را بی‌ارزش نموده‌است. (هورنای، ۱۳۹۷: ۱۲۴).

به‌طور کلی و در یک دسته‌بندی مشخص می‌توان صفات افراد مهرطلب را به‌صورت زیر بیان نمود:

۱. علاقه‌ی شدید به تأیید و توجه دیگران (متکی به رأی و نظر دیگران بودن در همه امور)
۲. احساس حقارت، گناه و نالایق بودن
۳. عدم توانایی در «نه» گفتن
۴. عدم توانایی در ابراز عقیده
۵. عدم توانایی در دفاع از خود در مشاجرات و بحث‌های کلامی یا برخوردهای فیزیکی
۶. دلسوزی بی‌جا برای دیگران
۷. توسری خور بودن

از طرفی چند خصوصیت بارز در افراد مهرطلب وجود دارد که به نظر می‌رسد تفکیک و تحلیل آنها بعنوان مهم‌ترین صفات ضروری است:

۱،۳ مهرطلبی و احساس حقارت و گناه

احساس گناه از بزرگ‌ترین و بارزترین ویژگی‌های فرد مهرطلب است. او هر نوع برخوردی را که دیگران با او انجام می‌دهند، طوری استنباط و توجیه می‌نماید که در نهایت خودش را مقصر و گناهکار جلوه دهد؛ حتی اگر گناه و اشتباه از جانب سایرین باشد و دیگران با او بدرفتاری نمایند، احساس گناهی که در این فرد نهفته است و آن را به‌راحتی به دیگران انتقال می‌دهد معمولاً پوچ و غیرواقعی و فقط زائیده‌ی ذهن بیمار خودش است، به‌خاطر این‌که اعمالی که او مرتکب می‌شود مستوجب سرزنش نیستند. از طرفی با معذرت‌خواهی، ابراز پشیمانی، رنجورنمایی و بیچاره‌نشان‌دادن خود، هم دلسوزی و محبت دیگران را خریداری می‌کند، و هم درد و رنج حاصل در وجود خود را تسکین داده، و این‌چنین سعی در رسیدن به آرامش دارد. در مواقعی هم که کسی او را ملامت یا شماتت می‌کند، چنین توجیه می‌کند که آن فرد راست می‌گوید و کاملاً حق دارد: همه‌چیز تقصیر من است، من آدم بدی هستم. حتی در مواردی که

دیگران نسبت به او به‌نحو بازی بدرفتاری می‌کنند، او میل دارد خود را مقصر بداند و سرزنش کند.

۲,۳ مهرطلبی و عدم اعتماد به نفس

ترس و فشار به‌عنوان آفت‌های اصلی رشد اعتماد به نفس به‌شمار می‌آیند و کودکانی که در محیط‌های ناامن بزرگ می‌شوند میل به خودکم‌ترینی در آن‌ها بسیار شدیدتر از مابقی بچه‌هاست، افراد مهرطلب چنانچه بیان گردید اعتماد به نفس بسیار پایینی دارند؛ به این جهت که هیچ‌گاه برای خود این حق را قائل نمی‌شوند که بتوانند ابراز وجود نمایند؛ تمام این رفتارها، به همراه نبودن عشق و مهر حقیقی، چنان در او احساس پوچی را به‌وجود می‌آورد که او دلش می‌خواهد به شکل و شمایل دیگری به‌غیر از آنچه اکنون هست درآید چرا که او ناخواستنی و اضافی است. اگر والدین کودک این احساس را در وی به وجود آورند که به‌خاطر کسب رضایت و خشنودی آن‌ها دوست‌داشتنی و محبوب است نه به‌خاطر وجود خودش؛ به این خاطر که به دلخواه آن‌ها رفتار می‌کند و سپس در صورتی که آن کودک نتواند توقعات پدر و مادر و اطرافیان‌اش را آن‌گونه که آن‌ها در ذهن دارند، تمام‌وکمال برآورده کند، در وجود خود احساس حقارت می‌نماید. اولین اثر کمبود اعتماد به نفس و عزت‌نفس در افراد، ناتوانی در ابراز عقیده است، به‌عبارت دیگر، آنها قادر نیستند در جمع‌ها حرف‌های خود را بیان کنند، این حرف‌ها گاهی نیازهای واقعی افراد هستند، که در صورت عدم‌بروز به عقده تبدیل می‌شوند.

۳,۳ مهرطلبی و رنجورنمایی

به گمان چنین شخصی هرچقدر رنجورتر باشد بیشتر مورد اهمیت دیگران قرار خواهد گرفت. هریت بریکر (Harriet Braiker) در کتاب خود به‌نام «مهرطلبی، بیماری راضی کردن دیگران (Disease to Please)» عنوان می‌کند:

در حالی که افرادی پیوسته در اندیشه راضی کردن دیگران هستند، فکر می‌کنند در راضی کردن دیگران بی‌کم‌وکاست هستند، استعداد واقعیشان این است که خود را بدحال، ناشایسته و با احساس بی‌کفایتی نشان دهند. این‌گونه افراد در دادن احساس بد به خود مهارت دارند، خود را تحت تأثیر قواعد، مقررات و ضوابط سختگیرانه قرار می‌دهند و برای خود معیارهای غیرواقعیانه در نظر می‌گیرند، تا خوشایند به حساب آیند (بریکر، ۱۳۹۷: ۶۷).

۷۳ بررسی دلایل مهرطلبی کودکان ... (منصور پیرانی و مرضیه سلیمیان)

اگر والدین کودک این احساس را در وی به وجود آورند که به خاطر کسب رضایت و خشنودی آنها دوست‌داشتنی است نه به خاطر وجود خودش؛ به این خاطر که به دلخواه آنها رفتار می‌کند، سپس در صورتی که آن کودک نتواند توقعات پدر و مادر و اطرافیان‌اش را آن‌گونه که آنها در ذهن دارند، تمام‌وکمال برآورده کند، در وجود خود احساس پستی، و حقارت می‌نماید.

۴،۳ عوامل ایجاد مهرطلبی

همانطور که به تفصیل به ریشه اصلی مهرطلبی، عصیبت و روان رنجوری پرداختیم دو عامل بسیار مهم بعنوان دلایل ایجاد مهرطلبی می‌توان برشمرد:

۱. ترس از دست دادن محبت، توجه و حمایت اطرافیان.

۲. ترس از تنبیه شدن توسط اطرافیان، در محیط‌ها و جوامعی که رابطه‌ی مابین والدین و اولیای مدرسه با کودکان و نوجوانان از نوع حاکمیت باشد

این خانواده است که فرزند خود را تحت حمایت و سرپرستی ویژه، قرار می‌دهد. اگر ساختار و نظام خانواده منسجم و متعادل باشد، قدرت نفوذ و اعتبار والدین نیز در کودک بیشتر خواهد بود، در غیر این صورت ارتباط بین والدین و کودک، آسیب‌پذیر خواهد بود (مکی، ۱۳۸۵: ۷۳)

افراد با تغییر محیط قادرند بر مهرطلبی خود غلبه کنند.

تا زمانیکه برای شناخت و به رسمت شناختن علت‌های واقعی زخم‌ها و ترس‌ها و امیال گناه‌آمیز سرکوب شده و تضادهای حل‌ناشده مان‌راهی پیدا نکنیم، به شیوه‌ای پنهان‌کارانه و تحریف‌شده که نتیجه عکس می‌دهد، دودستی به آنها خواهیم چسبید (تایسن، ۱۳۹۲: ۳۹).

۴. خلاصه‌ی داستان «من نوکر بابا نیستم»^{۲۱}

داستان من نوکر بابا نیستم روایت زندگی داوود؛ پسر حرف‌گوش‌کن و خیال‌پردازی است که در یکی از روستاهای جنوبی کشور در خانواده‌ای هفت‌نفره به همراه پدر، مادر، سه برادر و یک خواهر خود زندگی می‌کند. پدر داوود که مرد مستبد و زورگویی است و صاحب دکان بقالی روستا است، یک شب که از محل کارش به خانه بازمی‌گردد و طبق روال هر شب برای قضای

حاجت به مستراح می‌رود، بسته پول‌هایش از داخل جیب شلوارش به چاه مستراح می‌افتد، در پی این اتفاق او به اصرار از تک‌تک بچه‌هایش می‌خواهد به داخل چاه بروند و بسته پول را بیرون بیاورند در این میان بیشترین فشار پدر روی داوود است، چراکه داوود پسر تابعی است و همواره سعی در جلب رضایت اطرافیان به‌خصوص پدر دارد، پدر که می‌داند سه پسر کوچک خانواده برای پرداخت قسمتی از هزینه‌های مدرسه به پول نیاز دارند آنها را تحت فشار می‌گذارد تا مجبور شوند به داخل چاه رفته پول را در بیاورند ولی آنها زیر بار نمی‌روند، در این میان داوود فشار بیشتری را تحمل می‌کند چراکه جلب رضایت پدر برایش مهم است. برادران داوود که او را مورد تمسخر قرار می‌دهند و همیشه او را «نوکر بابا» خطاب می‌کنند، این بار لقب «نوکر بابا تو مستراح» را به او می‌دهند، این مسئله سبب تولید وحشت و کابوس شبانه برای داوود می‌شود. مادر داوود که می‌داند پسرش قادر به دفاع از خودش نیست، سعی می‌کند او را به هر شکلی از خانه فراری بدهد، اهالی محل و رئیس پاسگاه با رفتن بچه‌ها به داخل چاه مخالف هستند و پدر را به خاطر این عمل، موأخذه می‌کنند، در این گیرودار مراسم عروسی عمه‌ی داوود برپا می‌شود و همزمان با مراسم عروسی، خواهر کوچک داوود که از دو سالگی قدرت تکلم خود را از دست داده به ناگاه قادر به سخن گفتن می‌شود و چند روزی پدر، از فکر درآوردن پول‌ها بیرون می‌آید. شب عروسی، پسرعموی داوود که از سرکنجکاو، یواشکی و دور از چشم اهالی خانه، سراغ چاه مستراح خانه‌ی عمویش رفته‌است به داخل چاه سقوط می‌کند، از داد و فریاد عموی داوود، همه‌ی مردم به خانه‌ی آنها سرازیر می‌شوند و عروسی برای ساعاتی بهم می‌خورد، به دستور کدخدا و فقط به خاطر نجات جان پسرعموی کنجکاو، برادر بزرگ داوود مجبور می‌شود به داخل چاه برود تا هم پول‌ها را بیرون بیاورد هم جان پسر عمو را نجات بدهد، و اینگونه داستان با ادامه‌ی مراسم عروسی به اتمام می‌رسد و کابوس داوود با درآوردن پول‌ها توسط برادرش به پایان می‌رسد.

۱,۴ تحلیل داستان بر اساس نمودهای مهرطلبی

از دلایل انتخاب روایت من نوکر بابا نیستم وجود عنصر استبداد در خانواده داوود است که از مهمترین عوامل ایجاد بروز مهرطلبی در کودکان به‌شمار می‌رود. پدر داوود مردی مستبد و خشونت‌طلب است که فرزندان و حتی همسرش از او حساب می‌برند، مادر خانواده نیز که تا حدودی تحت سلطه پدر قرار دارد بعنوان عنصری منفعل قادر به ابراز وجود نیست و صرفاً از سر دلسوزی و بیشتر از نقطه‌نظر ضعف به حال فرزندانش دل می‌سوزاند و البته از این میان

داوود به خاطر خصوصیات ویژه روحی و حساست‌های ذاتی تبعیت بیشتری از پدر و سایرین دارد و به تبع آن آسیب‌های بیشتری می‌بیند. در بیان دلایل ایجاد مهرطلبی در شرایط استبدادی، خشونت‌بار و تبعاعاری از همدلی و محبت آنچه واضح و مسلم است و بیش از سایر عوامل رخ می‌نمایند عدم امنیت فرزندان و ترس ناشی از مواخذه شدن توسط والدین است که از آنها افرادی رنجور و فاقد اعتماد به نفس و در نهایت مهرطلب می‌سازد. والدین مستبد کاملاً ناخواسته فرزندان را تبدیل به ماشینی تابع اوامر و صرفاً مطیع می‌سازند که قادر نیستند از قدرت تعقل و اختیار خود بهره ببرند. این گروه از والدین بر اعمال قدرت و انضباط اجباری تأکید می‌کنند. این والدین با فرزندان خود کمتر گرم و با محبت برخورد کرده و بر کنترل کامل آنان تأکید دارند. در این خانواده یک نفر حاکم بر اعمال و رفتار دیگران است، این فرد غالباً پدراست، در چنین خانواده‌ای فقط دیکتاتور می‌گوید، هدف تعیین می‌کند. همه باید مطابق میل و دلخواه او عمل نمایند. دستورات صادره باید بدون چون و چرا انجام شود. ارزش کار دیگران بوسیله دیکتاتور مشخص می‌شود. مهمترین خصوصیات والدین دیکتاتور و مستبد عبارت است از:

- برای دستوراتی که می‌دهند دلیل نمی‌آورند.
- فرزندان بی‌چون‌وچرا باید از والدین اطاعت نمایند.
- برای عقاید و نظرات فرزندان ارزش قائل نیستند.
- معمولاً یک نفر (پدر یا مادر) حاکم بر اعمال و رفتار دیگران است.
- با فرزندان خود گرم و صمیمی نیستند.

کودکانی که در چنین محیطی پرورش می‌یابند اگر چه در ظاهر حالت تسلیم و اطاعت از خود نشان می‌دهند ولی در واقع دچار اضطراب شده و اغلب در برابر دیگران حالت خصومت و دشمنی به خود می‌گیرند؛ در کار گروهی نمی‌توانند شرکت نمایند، اغلب متزلزل و ضعیف النفس بوده و از قبول مسئولیت خودداری کرده، نسبت به بزرگسالان به طور کلی بدبین هستند (ر.ک نوابخش و فتاحی، ۱۳۹۰: ۲۷). در چنین خانواده‌هایی والدین بر اثرات زیانبار رفتار خود آگاه نیستند و به تصور خودشان این جبر و فشار برای آینده فرزندانشان ضروری است.

پدر از بچه‌ها می‌خواهد که پول را از مستراح خارج کنند، او این فرآیند را عملی غیراخلاقی قلمداد نمی‌کند، پدر گمان می‌کند که این مرحله‌ای از رشد و تربیت کودک است؛ ازینرو بر اخلاقی بودن عمل خود تأکید دارد، ازین منظر ورود به مستراح مرحله‌ای

برای اجتماعی شدن کودک و آمادگی او برای حضور در متن است. از منظر جامعه‌شناختی می‌توان گفت که ورود به متن جامعه، همان اجتماعی شدن است (دلالت‌رحمانی و قربانی، ۱۳۹۵: ۹).

داوود برای جلب رضایت پدر حاضر است دست به هر کاری بزند و در برابر اوامر پدر قدرت نه گفتن ندارد. «دلم می‌خواهد بیایم توی حیاط و کاری بکنم که بابا خوشش بیاید» (اکبرپور، ۱۳۹۷: ۱۰). همانطور که در خصوصیات افراد مهرطلب بیان شد آنها چنان در برآورده کردن خواسته دیگران و جلب رضایت اطرافیان‌شان می‌کوشند که اراده و اعتماد به نفس خود را نیز قربانی می‌کنند.

محبت و تایید یعنی مورد پسند دیگران واقع شدن، محبت و موافقت آنها را جلب کردن، کسی که این نیاز را دارد به عقیده‌هایی که دیگران درباره‌ی او دارند اهمیت زیادی می‌دهد و نمی‌تواند کوچکترین انتقاد یا ناههربانی را تحمل کند (سیاسی، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۲۸).

داوود به سبب رفتارهای منعطف خود در برابر پدر همواره مورد تمسخر برادرانش قرار می‌گیرد بعد از سقوط پول‌ها به مستراح این تمسخرها که بیشتر از قبل شده‌است از او موجودی گوشه‌گیرتر و منفعل‌تر می‌سازد که در برخورد با رفتار نادرست اطرافیان توان دفاع از خود را ندارد. «صدای مادر می‌آید که دعوایشان می‌کند: آگه به باباتون بگه مثل سگ کتک می‌خورید! صدای خنده یونس می‌آید: اگر عرضه داشت که نوکر بابا نمی‌شد!» (اکبرپور، ۱۳۹۷: ۹).

پدر خانواده که همواره از روشهای استبدادی در تربیت فرزندان خود بهره جسته به تنبیه فیزیکی در تربیت آنها اعتقادی راسخ دارد و این موضوع از مدیر و معلم مدرسه و سایر اهالی پوشیده نیست. «صبح که می‌خواستیم برویم کلاس، آقای اشرفی اشاره کرد بروم توی دفتر... رفت پشت میز و همینطور که چیزی می‌نوشت از بالای عینکش نگاهم کرد و گفت: هنوز هم بابا دعوی‌تان می‌کند؟» (همان، ۱۳۹۷: ۸۱). پدر اعتقاد عمیقی به استفاده از ضرب و شتم در تربیت فرزندان خود دارد، او معتقد است که خودش، با همین کتک‌خوردن‌ها برای خودش کسی شده‌است.

مگر بابای خدایامرز خودم که از پنج، شش سالگی وردستش خرما جمع می‌کردم و رسیدگی به فصیل‌هایش به عهده خودم بود- زبانم لال- ادب کردن بلد نبود؟! خدا سر شاهده، اگر آتش قلیانش ذره‌ای دیرو زود می‌شد با همان چوب‌های تر نخل باللمان

می‌کرد. نور به قبرش بباره از برکت همان توپ و تشرها بود که تنبل و بی‌عرضه بار نیامدیم ... (همان، ۱۳۹۷: ۳۷).

اگرچه همیشه بین خشونت والدین و فقر یا عوامل اقتصادی در خانواده‌ها ارتباطی به چشم نمی‌خورد، چنانچه بیان شد لزوماً والدین افراد مهرطلب مستبد و دیکتاتور نیستند اما درصد قابل توجهی از کودکان مهرطلب دارای والدین زورگویی هستند که از مشکلات اقتصادی رنج می‌برند به این معنی که مشکلات اقتصادی می‌تواند عاملی در بروز خشونت‌های خانگی باشد. «مشکلات اقتصادی نه تنها در تبیین پدیده‌هایی چون خشونت خانوادگی، بلکه در بروز بیشتر آسیب‌های اجتماعی موثر هستند» (بابایی فرد و حیدریان، ۱۳۹۳: ۶). بین رضایت‌مندی اقتصادی و کیفیت ارتباطات خانوادگی با خشونت خانوادگی، رابطه معنادار و معکوس وجود دارد؛ تاثیر رفتار استبدادی و خشونت بار والدین بر کودکان یک خانواده متفاوت است بدین معنی که ویژگی‌های شخصیتی در میزان این آسیب موثر است ازین رو داوود که پسر بچه‌ای حساس، آرام و خیالپرداز است بیش از سایر بچه‌های خانواده تحت فشار قرار می‌گیرد. به سبب این ضعف رفتاری حتی مادرش بیشتر از بقیه بچه‌هایش به او فکر می‌کند، برایش نگران است و بیش از سایرین تروخشکش می‌کند، چرا که بهتر از هرکسی می‌داند داوود قدرت کافی برای دفاع از خودش را ندارد و نمی‌تواند حق خودش را بگیرد. «مادر دستپاچه بلند می‌شود: من سرش رو گرم می‌کنم، تو برو! وبعد به یونس و یحیی نگاه می‌کنند: اینا بلدن چه جوری در برند» (اکبرپور، ۱۳۹۷: ۱۹). هورنای دلیل عکس‌العمل متفاوت فرزندان یک خانواده را که تحت شرایط یکسان بار آمده‌اند تفاوت در خصلت‌های ذاتی و ژنتیکی آنها می‌داند. «کودک طبیعی با بصیرت و مبتکر است از موانع نمی‌ترسد و در برابر رویدادها بازتاب‌های طبیعی دارد. او از ابراز احساسات خود نمی‌هراسد و آنها را پنهان نمی‌کند» (بریگس، ۱۳۷۳: ۴۴). داوود که در تمام طول داستان سعی در برآورده کردن نیازهای پدر و جلب رضایت او دارد به خود مفتخر است که تا بحال از دست پدر مستبد و خشن خود کتک نخورده‌است او می‌پندارد دیگران به خاطر این اتفاق که از دیدگاه او مزیت به حساب می‌آید به او حسادت می‌کنند. «می‌دانم که به من حسودی می‌کنند. زورشان می‌آید که من تا حالا از بابا کتک نخورده‌ام» (اکبرپور، ۱۳۹۷: ۱۰). ازین رو تمام تلاش خود را می‌کند تا رضایت خاطرش را فراهم‌آورد تا از او کتک نخورد. «اما من همیشه می‌ترسیدم... می‌ترسیدم جلوی بچه‌ها، عصبانی بشود، رگ‌های گردنش باد کنند و با لگد بیفت به جانم» (همان، ۱۳۹۷: ۸۲). روحیه‌ی لطیف و حساس داوود و تلاش بی‌وقفه‌اش در جهت جلب رضایت پدر پیوسته او را به این فکر مشغول کرده‌است که چه کاری

سبب خوشحالی و چه عملی سبب دلخوری پدرش می‌شود، هرچند شخصیت پدر به شکلی است که بیشتر شبها عصبی و خسته از سر کار بر می‌گردد، با ورود او مادر و بقیه‌ی افراد خانه بسیج می‌شوند تا شرایط آسایش او را مهیا کرده و تروخشکش کنند، در این مواقع این داوود است که برای دادن خدمات به پدر داوطلب می‌شود، با آفتابه برایش آب می‌برد، تا دست‌ها و پاهایش را بشوید، در پهن کردن سفره شام به مادرش کمک می‌کند، برای پدر چای می‌ریزد، و تمام این کارها را با رغبت انجام می‌دهد، اگرچه از شبی که پول‌ها به داخل مستراح افتاد، پدر از قبل عصبی‌تر و بداخلاق‌تر شده‌است، ازینرو به دشواری می‌شود شاهد خندیدن پدر بود. به همین خاطر دیدن خنده و شادی پدر فقط در خواب‌های داوود میسر می‌شود. این دغدغه‌های فکری داوود باعث می‌شود او پدر را در خواب‌های خوشحال ببیند، او در خواب‌های پدری ایده‌آل را می‌بیند که از پسرش رضایت داشته و با رضایت خاطر و بدون دلخوری و القاء حس عذاب وجدان به او پول می‌دهد. «بابا می‌گوید: آفرین پسر گلم! و یک بسته اسکناس روی سرم می‌پاشد...بابا می‌خندد و بسته اسکناس دیگری وسط حیاط می‌پاشد». (همان، ۱۳۹۷: ۶۷).

داوود که در برابر پدر فردی منفعل و تابع است با سایر افراد نیز رفتاری مهرطلبانه دارد حتی در برخورد با یکی از اهالی روستا به نام **والده مصیب** که زنی روان‌پروش و مطرود است و کمتر کسی با او هم‌کلام می‌شود خود را مقید می‌کند تا علیرغم میل باطنی پای صحبتش بنشیند و به حرفهایش گوش بدهد. «می‌خواهم از دستش فرار کنم، ولی فرصتی نیست. ناچار می‌گویم: **والده مصیب سلام!** خوشحال می‌شود. می‌خواهم از دستش در بروم، ولی نمی‌توانم» (همان، ۱۳۹۷: ۲۱). هورنای، یکی از نشانه‌های فرد عصبی (در اینجا از نوع مهرطلب) را رفتارهای خلاف عرف او می‌داند. داوود در اغلب موارد پسری است با رفتارهایی عجیب و خاص، در سایر رفتارهای اجتماعی هم او کمرو و می‌توان گفت ترسو به نظر می‌رسد و اینجاست که تفاوتش با سایر بچه‌های خانواده و البته سایر بچه‌های روستا بیشتر به چشم می‌خورد. در روستا آب‌انباری وجود دارد و یکی از سرگرمی‌های بچه‌های روستا شیرجه زدن در آن است، داوود هم مثل بقیه دلش می‌خواهد در آن شیرجه بزند اما هنوز جسارت انجام آن را پیدا نکرده‌است. «آب‌انبار تا نصفه خالی است...ظهرها که هوا گرم می‌شود و بزرگترها از خانه بیرون نمی‌آیند، دزدکی با بچه‌ها می‌رویم توی آن شنا می‌کنیم. دلم می‌خواهد مثل بچه‌ها از بالا شیرجه بزنم توی آب، ولی هنوز جرات نکرده‌ام» (همان، ۱۳۹۷: ۲۱). بعنوان مثال یکی از کارهایی که پدر داوود از او توقع دارد انجام دهد و او هرگز در عمرش انجام نداده است و این سبب دل‌نگرانی پدر شده‌است استفاده نکردن او از **تیرکمان** است، که برای پسر بچه‌های روستایی و در سن و

بررسی دلایل مهرطلبی کودکان ... (منصور پیرانی و مرضیه سلیمیان) ۷۹

سال او وسیله‌ای است رایج که جهت شکار گنجشک و سایر پرندگان به کار می‌رود. پدر در قسمتی از داستان از این رفتار داوود که هرگز از تیرکمان استفاده نکرده اظهار نگرانی می‌کند و این رفتار او را دلیل بر انزوا یا خجالتی بودن بیش از اندازه او می‌داند.

بچه‌ای که تو این سن و سال از چهار تا دیوار بالا نرود و همیشه خدا تو عالم هیروت باشد و تیرکماتی تو کله این و آن نزنند، از کجا معلوم که فردا روز بتواند لقمه‌ای نان برای زن و بچه‌اش فراهم کند (همان، ۱۳۹۷: ۳۸).

او نمی‌تواند از خودش دفاع کند و بابت این کار شرمگین می‌شود نکته‌ی جالب توجه اینجاست که او در خیال‌پردازی‌هایش نیز، نشانه‌های مهرطلبی را با خود به همراه دارد و سعی می‌کند رضایت دیگران را جلب کند، حتی هنگامیکه در عالم خیال به خود جرأت داده و تصور می‌کند با سنگ، به سر برادرها و پدرش می‌کوبد، به سرعت احساس پشیمانی کرده و دلش می‌خواهد رویا شکل دیگری پیدا کند، که در آن از دعوا یا آسیب‌زدن به دیگران اثری باقی نماند. داوود پسر دل‌نازکی از نوع مهرطلب است که تفاوت زیادی با بقیه‌ی اعضای خانواده‌اش دارد، و این تفاوت او را از سایرین آسیب‌پذیرتر نموده است.

دلم می‌خواهد آنقدر بروم بالا تا بفهمم بابا از چه بهانه‌ای می‌خواهد عصبانی شود، آنوقت خیلی زود قلیانش را آب کنم یا برایش چای بریزم. حتی وقتی خودم عصبانی می‌شوم و دلم می‌خواهد با سنگ تو سر یحیی، یونس، یا بابا بکوبم دوست دارم سنگ مثل قطره‌های آب از لای انگشتانم بریزد پایین (همان، ۱۳۹۷: ۴۷).

داوود به ندرت در دعوایی وارد می‌شود، اگر هم مجبور شود و از خودش دفاع کند عذاب وجدان می‌گیرد، «شخصیت‌های روان رنجور مهرطلب اساساً مبارزان خوبی نیستند و همیشه در ترس و بیم به سر می‌برند» (رضایی‌دشت‌ارژنه، ۱۳۸۸: ۱۷).

در قسمتی از داستان، زدوخورده و دعوایی بین خودش، برادرش و تعدادی از دوستانش شکل می‌گیرد و مجبور می‌شود با سنگ به پای برادرش یونس بزند، اما بلافاصله دلش برای او می‌سوزد. این در حالی است که او فقط از خودش در برابر اذیت و آزار آنها دفاع کرده‌است. این همان برادری است که بارها او را مورد تمسخر قرار داده و در مقابل همه به او خندیده و مسخره‌اش کرده‌است.

یونس به بچه‌ها نگاه می‌کند و تیرکمان را از دور گردنش در می‌آورد. تا می‌خواهد آن را بگیرد طرفم، فرصت نمی‌دهم و سنگی پرت می‌کنم... دلم برایش می‌سوزد؛ کاش به جای

سنگی که روی قوزک پایش زدم، بلند جوری که همه بشنوند می‌گفتم: تونوکر بابا هستی یا من؟ (اکبرپور، ۱۳۹۷: ۲۷).

داوود، دفاع از خود را چه به صورت کلامی و چه بصورت فیزیکی شایسته نمی‌داند و اصلاً توان انجام این را ندارد. «یک کودک ممکن است به دلایل مختلف نتواند با کودکان دیگر ارتباط برقرار سازد. یکی از عوامل ممکن است ترس از عکس‌العمل‌هایی از قبیل مورد حمله واقع شدن، نادیده گرفته شدن، یا مورد تمسخر قرار گرفتن، تحقیر شدن مربوط باشد» (سراج‌خرمی، حسینی‌نسب، ۱۳۹۸: ۶). در اصل دلیل اصلی اینکه فرد مهرطلب همواره در تلاش است تا دیگران را از خود راضی و خشنود نگه دارد اعتماد به نفس و سعی در راضی نگه داشتن دیگران و وجود همین اضطراب و ترسی است که بطور دائمی در وجود خود دارد و چنانچه در تعریف علل ایجاد این ترس و اضطراب گفته شد، وقتی کودکان در محیط‌هایی پرورش می‌یابند که در آنها محبت و صمیمیت راستین و واقعی به چشم نمی‌خورد آنها خود را سربار و اضافی می‌پندارند، در نتیجه سرخورده شده، در آنها ترس و اضطراب به وجود می‌آید، برای سرپوش نهادن به این اضطراب، تمام تلاش خود را می‌نمایند، تا بتوانند همان افرادی که سبب بروز این ترس و اضطراب در آنها شده‌اند را راضی نمایند و به این صورت، این چرخه بیمار در آنها شکل گرفته و تعارض عصیبت و روان‌رنجوری و در نتیجه، مهرطلبی - یکی از شاخه‌های عصیبت - در آنها شکل می‌گیرد. او خود را نادیده می‌گیرد و در جهت جلب رضایت اطرافیان خود، تمام کوشش خود را به کار می‌برد؛ بعدها هم که چنین فردی وارد اجتماعات بزرگتر از قبیل مدرسه، دانشگاه و سایر اجتماعات بزرگتر می‌شود به نیازهای خود توجهی نداشته و فقط به دنبال جلب رضایت سایرین است. این احساس حقارت و توسری‌خور بودن و عدم توانایی در بیان نیازها و عدم توانایی در «نه» گفتن در مواجهه با درخواست‌های به‌جا و نابجای دیگران به قدری در شخصیت‌های روان‌رنجور از نوع مهرطلب درونی شده‌است که آنها خود را بی‌لیاقت و ناخواستنی می‌پندارند حتی در مواردی که به سبب بروز رفتارهای مثبت و یا کسب موفقیت مورد تشویق قرار می‌گیرند و یا در کسب و کار خود پیشرفتی حاصل می‌کنند هرگز خود را لایق آن برتری یا تشویق نمی‌پندارند.

مدتی از افتادن بسته پول به چاه‌مستراح می‌گذرد و پدر نمی‌تواند کسی را به زور وادار به رفتن به درون چاه و درآوردن پول‌ها کند، در انتهای داستان، زمانیکه همه‌ی مردم خود را برای عروسی عمه‌مehوان و مشدی‌نوروز آماده می‌کنند، یکی از پسرعموهای داوود برای به دست آوردن بسته پول و البته بیشتر از روی کنجکاوی خودش را دورن چاه‌مستراح می‌اندازد،

همه هراسان خود را به محل حادثه می‌رسانند و اینجاست که یک نفر ناچار است برای نجات جان بچه خود را به داخل چاه برساند، و این کار دیگر از دست داوود و سایر بچه‌ها عملی نیست، کدخدا از برادر بزرگ داوود می‌خواهد که اینکار را انجام دهد، او نیز می‌پذیرد و این کار را با موفقیت به انجام می‌رساند، و با این کار به کابووس بزرگ داوود پایان می‌دهد.

۵. نتیجه‌گیری

داستان من نوکر بابا نیستم با به تصویر کشیدن پدری مستبد و مادری منفعل به توصیف موقعیت‌هایی می‌پردازد که شخصیت اصلی داستان یعنی داوود در آن ایفای نقش می‌کند، نقشی که بر اساس انطباق آن با حالات و روحیات افراد مهرطلب بر اساس نظریه هورنای تا حدود زیادی شبیه به آنهاست و با الگوی رفتاری آنها مطابقت دارد. هورنای که تأثیر محیط اطراف و رفتارهای والدین را بر شکل‌گیری شخصیت آنها بسیار حائز اهمیت می‌داند در تشریح اشخاص روان‌رنجور به بیان مشکلات رفتاری آنها در تعامل با اجتماع اطرافشان می‌پردازد شخصیت‌هایی که در رویارویی با محیط اطراف خود نمودهایی از عصیت و اضطراب را به‌نمایش می‌گذارند. با کاوش در شخصیت داوود که اکبرپور آن را با ظرافت‌های شخصیتی ویژه‌ای در داستان به تصویر کشیده‌است می‌توان رد پای روان‌رنجوری و معضلات شخصیتی نوجوانی حساس، گوشه‌گیر و خیال‌پرداز را مشاهده کرد. از درونمایه داستان و تعامل بین شخصیت‌های مطرح شده در آن از پدر گرفته تا اهالی روستا همچنین با در نظر گرفتن نظریه هورنای که به شکل روشنی به معرفی افراد نابهنجار یا روان‌رنجور و ساختار شخصیتی دسته مهرطلب می‌پردازد می‌توان به این نکته اذعان نمود که داوود در بسیاری از موقعیت‌ها با بروز ویژگی‌هایی که نشان از کمبود اعتماد به نفس، ترس و اضطراب دارد به شخصیت مهرطلب نزدیک می‌شود، از طرفی با این دیدگاه که استبداد والدین می‌تواند از جمله دلایل مهم ایجاد مهرطلبی کودکان باشد و با توجه به خصالت تندخویی و دیکتاتورمنشی پدر داوود فرض مهرطلبی داوود پررنگ‌تر می‌شود. داوود که یکی از بزرگترین و مهمترین دلایل ایجاد مهرطلبی را در داستان او شاهد هستیم، با پدری مستبد و زورگو سروکار دارد که در برخورد با فرزندانش به روش‌های تربیتی همراه با تنبیه، اعتقادی عمیق دارد. او که پسری حساس و حرف‌گوش‌کن است همواره، تمام تلاشش را برای به‌دست آوردن رضایت پدر سختگیر خود معطوف می‌کند، به همین جهت از جانب اطرافیان مورد تمسخر واقع می‌شود، او که تمام افکارش حول محور

جلب رضایت پدر می‌چرخد و در برابر ردِ خواسته‌های او توان «نه» گفتن ندارد، دارای نشانه‌های مهرطلبی است.

بروز برخی رفتارها در کودکان یک خانواده می‌تواند نشأت گرفته از فرهنگی بزرگتر در اجتماعی که افراد در آن زیست می‌کنند باشد. به‌طور مثال وجود برخی نشانه‌های رفتار مهرطلبانه در فرهنگ شرقی که همواره به سلسه مراتب خانوادگی و سن و سال افراد در جامعه توجه نشان می‌دهند می‌تواند پررنگ‌تر باشد. اهمیت به این مناسبات اجتماعی از دیرباز در فرهنگ ایرانیان به چشم می‌خورد بزرگترهای خانواده علی‌الخصوص پدرها، همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند و بچه‌ها می‌بایست به آنها احترام بگذارند، در خیلی از موارد زیاده‌روی در اهمیت به این سلسه مراتب در بعضی مواقع تبدیل به روابط دیکتاتوری و استبدادی می‌شود، بچه‌ها در چنین خانواده‌هایی تبدیل به افرادی روان‌رنجور می‌شوند که این معضل در بزرگسالی‌شان تبعاتی در پی خواهد داشت.

خانواده نقش بسیار موثری در ایجاد و گسترش معضل مهرطلبی و سایر معضلات و آسیب‌های روانی در کودکان دارد، نقش مربیان و سایر سرپرستان کودک نیز در این مهم بی‌تأثیر نیست. ازین‌رو دوران کودکی و نوجوانی در شکل‌گیری پایه‌های شخصیتی افراد غیرقابل انکار است و از آنجایی که نداشتن اعتمادبه‌نفس کافی از ویژگی‌های فرد مهرطلب است، شکل‌گیری این خصلت حائز اهمیت در دوران کودکی و در بستر محیط خانواده با وجود والدین و مربیان دلسوز می‌تواند ریشه بسیاری از مشکلاتی که افراد در بزرگسالی با آن دست‌به‌گریبان می‌شوند را بخشکاند و فرد را از مصائب بزرگتر بعدی نجات دهد.

اضطراب و ترس از نشانه‌های بارز این شخصیت مهرطلب است از دلایل آن می‌توان به استبداد و خشونت که در پدر خانواده وجود دارد اشاره کرد. با این توضیحات می‌توان چنین برداشت نمود که محیط ناامن خانواده و والدین خشن و مستبد می‌توانند در ایجاد اضطراب و رفتارهای نابهنجار در افراد موثر باشند. با جمع‌آوری داده‌های تحقیق و با انطباق بر خصوصیات افراد مهرطلب که ریشه رفتاری‌شان منتج از عصبیت و اضطراب ایجادشده ناشی از نحوه برخورد اطرافیان‌شان با آنهاست چنین نتیجه‌گیری متصور است که شخصیت داوود در داستان منتخب تعداد زیادی از ویژگی‌های افراد مهرطلب را دارد که در برخوردها و مناسبات اجتماعی با مشکلات فراوان از جمله عدم اعتمادبه‌نفس، خود کم‌تربینی، ناتوانایی در دفاع از خود در برخورد با مشکلات و موانع، و عدم توانایی در ابراز عقیده مواجه می‌شوند.

پی‌نوشت‌ها

۱ the neurotic need for affection and approval

۲. کتاب من نوکریا با نیستم، توسط انتشارات افق، در ۹۵ صفحه و ۹ فصل به چاپ رسیده است، این کتاب که نامزد بهترین رمان نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۳ شده است از جمله تألیفات احمد اکبرپور است که، جوایز زیادی در ایران و خارج از ایران نصیب خود کرده است، در این مقاله چاپ یازدهم این کتاب که در سال ۱۳۹۷ تجدید چاپ شده مورد پژوهش بوده است

کتاب‌نامه

- اکبرپور، احمد. (۱۳۹۷). من نوکر بابانیستم، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات افق.
- بریکر، هریت. (۱۳۹۷). مهرطلبی بیماری راضی کردن دیگران، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران: انتشارات پیک بهار.
- بریگس، دُرُوتی کورگیل (۱۳۷۳). شناخت خویشتن خویش، ترجمه مهین دخت جنتی عطایی، تهران: انتشارات کهکشان.
- تایسن، اُیس. (۱۳۹۲). نظریه‌های نقد ادبی معاصر، ترجمه حسین پاینده، چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه امروز و حکایت قلم نوین.
- دارابی جعفر. (۱۳۸۴). نظریه‌های روانشناسی شخصیت، (رویکرد مقایسه‌ای)، تهران: آئیز.
- سیاسی علی‌اکبر. (۱۳۸۹). نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شاملو، سعید. (۱۳۸۸). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت، چ: نهم، تهران: رشد.
- شکرشکن، حسین و دیگران (۱۳۸۵). مکتب‌های روانشناسی و نقد آن، چ: پنجم، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شولتز، دوان‌پی و شولتز، سیدنی‌الن. (۱۳۸۹). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ: هفدهم، تهران: انتشارات ویرایش.
- فیست، جس و گریگوری‌جی، فیست. (۱۳۸۸) نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: انتشارات روان.
- لان‌دین، رابرت ویلیام. (۱۳۹۸). نظریه‌ها و نظام‌های روانشناسی (تاریخ و مکتب‌های روانشناسی)، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: انتشارات ویرایش.

- ملکی، حسن. (۱۳۸۵). کودکان و نوجوانان خیابانی، تهران: انتشارات آبیژ.
- هورنای، کارن. (۱۳۶۱). عصبیت‌ورشد آدمی، ترجمه محمدجعفر مصفا، تهران: انتشارات بهجت.
- _____ (۱۳۶۹). عصبانیت‌های عصر ما، ترجمه ابراهیم خواجه‌نوری، تهران: انتشارات شرق.
- _____ (۱۳۹۳). تضادهای درونی ما، ترجمه محمدجعفر مصفا، تهران: انتشارات بهجت.
- _____ (۱۳۹۵). روانشناسی زنان، ترجمه سهیل سمی، تهران: انتشارات ققنوس.
- _____ (۱۳۹۷). خودکاوی، ترجمه محمدجعفر مصفا، تهران: انتشارات کتابخانه بهجت.

مقاله‌ها:

- بابایی فرد اسدالله و امین حیدریان، (۱۳۹۳) بررسی برخی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خانوادگی، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال پنجم، شماره چهارم. صص: ۳۵-۵۲.
- بهنام‌فر، محمد و زینب طلایی (۱۳۹۳) نقد روانشناختی شخصیت در رمان سالمرگی بر مبنای نظریه کارن هورنای، مجله متن پژوهی ادبی، سال هجدهم، شماره شصت و دو. صص: ۱۷۵-۱۹۳.
- دلالت رحمانی، محمدحسین و حسین قربانی، (۱۳۹۳) «بررسی خشونت نمادین در رمان «من نوکریا نیستم» مجله مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، سال هفتم، شماره یک. صص: ۴۹-۶۴.
- رضایی، محمدعلی و دیگران. (۱۳۹۹). «تحلیل روانکاوانه‌ی شخصیت دو قهرمان زن و مرد در رمان سووشون بر مبنای نظریه عصبیت کارن هورنای» دو فصل‌نامه علمی، سال دوم، شماره چهارم، صص: ۱۸۲-۲۱۰.
- رضایی دشت‌ارژنه محمود (۱۳۸۸) «نقد و بررسی داستانی از «جیمز تریر» بر اساس دیدگاه روانشناسی کارن هورنای» مجله ادب پژوهی، شماره دهم. زمستان. صص: ۱۸۷-۲۰۶.
- شاکری، جلیل و بهناز بخشی (۱۳۹۴) «تحلیل روانشناختی شخصیت‌های سه داستان «گدا»، «خاکستر نشین‌ها» و «آشغال‌دونی» غلامحسین ساعدی» بر مبنای نظریه «کارن هورنای»، مجله متن پژوهی ادبی، سال نوزدهم، شماره ۶۳. صص: ۵۵-۸۸.
- هوشنگی، مجید (۱۳۹۲) «نقد و بررسی روانکاوانه شخصیت ته‌مینه از نگاه کارن هورنای» هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، همایش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. صص: ۲۰۱-۲۱۳.
- سراج‌خرمی، نجمه و مریم حسینی‌نسب (۱۳۹۸) «بررسی علل و عوامل گوشه‌گیری و ارائه راهکارهایی برای برطرف کردن آن در دبستان» مجله نخبگان علوم مهندسی، دوره ۴، شماره ۲. صص: ۱-۸.
- نوابخش، مهرداد و سروش فتحی (۱۳۹۰) «شیوه‌های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان» مجله پژوهش‌های دینی، شماره بیست و دو، بهار و تابستان. صص: ۳۳-۶۴.

فیض‌آبادی، زهره و دیگران. (۱۳۹۸) «هم‌سنجی اثربخشی روان‌تحلیل‌گری کارن هورنای و شناخت درمانی بر الگوهای ارتباطی زنان متأهل دچار روان‌آزردگی» مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده، دوره نهم، شماره ۲، پاییز و زمستان. صص: ۱۲۴-۱۴۴.

References

- Akbarpour, Ahmed. (2017). *Man nokare bābā nistam*, 11th edition, Tehran, Ofoq Publications.
- Bricker, Harriet. (2017). *The Disease to Please: Curing the People-Pleasing Syndrome (Loving kindness is a disease of pleasing others)* translated by Mehdi gharacheh Daghi, Tehran, Peyke Bahār Publications.
- Briggs, Dorothy Corgill (1373). *Self-Knowledge*, translated by Mahin Dokht Jannati Atai, Tehran, kahkeshan Publications.
- Tyson, Lois. (2012). *Critical Theory Today*, translated by, Maziar Hosseinzadeh and Fatemeh Hosseini, editor: Hossein Payandeh, second edition, Tehran, Negah Amrooz and Hekāyate Qalam Novin publications.
- Dārābi, Jafar. (1384). *Theories of personality psychology, (comparative approach)*, Tehran, Ayeezh Publications.
- Politician, Ali Akbar. (1389). *Personality theories or schools of psychology*, 17th edition, Tehran, Tehran University Press.
- Shamlou, Saeed. (1388). *Schools and theories in personality psychology*, 9th edition, Rushd Publications.
- Shakasherkan, Hossein and others (1385). *Schools of psychology and its criticism*, fifth edition, Tehran, Hozeh and University Research Institute.
- Schultz, Duane P. and Schultz, Sydney Ellen. (1389). *Personality theories*, translated by Yahya Seyed Mohammadi, 17th edition, Virayesh publications.
- Feist, Jess and Gregory J. Feist. (1388) *Personality theories*, translated by Yahya Seyed Mohammadi, Tehran, Rovin Publications.
- Lundin, Robert William. (1398). *Theories and systems of psychology (history and schools of psychology)*, translated by Yahya Seyed Mohammadi, Tehran, Virayesh publications.
- Maliki, Hassan. (1385). *Street children and teenagers*, Tehran, Ayeezh Publications.
- Horney, Karen (1361). *Nervousness and human growth*, translated by Mohammad Jaafar Mosfa, Tehran, Bahjat Publications.
- Horney Karen (1369). *Anger of our age*, translated by Ebrahim Khajeh Nouri, Tehran, Sharq Publications.

- Horney Karen. (1393). Our internal contradictions, translated by Mohammad Jafar Mosfa, Tehran, Bahjat Publications.
- Horney, Karen (1395). Women's Psychology, translated by Sohail Sami, Tehran, Qoqnos Publications.
- Horney, Karen (1397) Self-analysis, translated by Mohammad Jafar Mosfa, Tehran, Behjat Library Publications.
- Bābāeifard Asadollah and Amin Heydariān, (1393) Investigating some social factors affecting family violence, Scientific-Research Quarterly of Women and Society, 5th year, 4th issue. P: 35-52.
- Behnāmfar, Mohammad and Zeinab Talāi (1393) Psychological criticism of the character in the coming-of-age novel based on Karen Horney's theory, Journal of Literary Textual Studies, Year 18, Number 62.p: 175-193.
- Dalal Rahmani, Mohammad Hossein and Hossein Ghorbani, (1393) Examining symbolic violence in the novel "I am not a servant", Shiraz University Children's Literature Studies Journal, 7th year, quarter one, pp:49-64.
- Rezaei, Mohammad Ali and others. (1399) Psychoanalytical analysis of the character of the male and female protagonists in the novel Sushon based on Karen Horney's "nervousness" theory (research paper). Two scientific quarterly journals, second year, fourth issue, p: 182-210.
- Rezai Dasht Arzhaneh Mahmoud (2008) Criticism of a story by "James Thurber" based on the psychological perspective of "Karn Hornay", Journal of Literary Studies, No. 10. Winter, p: 187-206.
- Shakri, Jalil and Behnaz Bakshi (2014) Psychological analysis of the characters in the three stories "Geda", "Khaksterneshinha" and "Ashgaldoni" by Gholam Hossein Saedi, based on the theory of "Carn Hornay's", Journal of Literary Text Studies, 19th year, number 63, p: 55-88.
- Hoshangi, Majid (2012) Criticism and psychoanalysis of Tahmina's personality from Karen Hornay's point of view, Presented at the 7th Persian Language and Literature Research Conference, Ministry of Science, Research and Technology Conference.p:201-213.
- Serājkhormi, Najmeh and Maryam Hosseini Nasab (2018) Investigating the causes and factors of isolation and providing solutions to solve it in elementary school, Elite Engineering Sciences Magazine, Volume 4, Number 2, p: 1-8.
- Navābhaksh, Mehrdad and Soroush Fathī (2019) Parenting methods and social adaptation of children, Religious Research Journal, number twenty-two, spring and summer.p: 33-64.

بررسی دلایل مهرطلبی کودکان ... (منصور پیرانی و مرضیه سلیمیان) ۸۷

- Feizābādi, Zahra and others. (2018) Evaluating the effectiveness of Karen Horney's psychoanalysis and cognitive therapy on the communication patterns of married women suffering from psychosis, *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, Volume 9, Number 2, Autumn and Winter. P: 124-144.